

رسالة محمد

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان:

بررسی فقهی-حقوقی محاربه و افساد و تحولات قانونی آن با نگاهی به قانون مجازات

اسلامی سال ۱۳۹۲

از:

ساسان زمانی سیوکی

استاد راهنما

دکتر حسن شاه ملک پور

استاد مشاور

دکتر حسین آقابابایی

خرداد ۱۳۹۳

تقدیم بہ روح والای پدرم

و مہربانی مادرم

«منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش فرید نعمت، هر نفسی که فرومی رود مدحیات است و چون برمی آید مفرح ذات، پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر می واجب.»

از استادان شایسته و ارجمند جناب آقایان: دکتر حسن شاه ملک پور و دکتر حسین آقابابایی که راهنمایی و مشاوره این پژوهش را بر عهده گرفته اند صمیمانه سپاسگذارم و از خداوند منان برایشان توفیق روز افزون مسئلت دارم.

## فهرست مطالب

۱-مقدمه.....	۱
۲-بیان مسئله.....	۲
۳-پرسش ها.....	۲
۴-فرضیه ها.....	۲
۵-اهداف تحقیق.....	۳
۶-پیشینه تحقیق.....	۳
۷-روش تحقیق.....	۳
۸-سازماندهی تحقیق.....	۳
فصل اول : کلیات و مفاهیم.....	۵
۱-۱-معنای محاربه.....	۶
۱-۱-۱-معنای لغوی محاربه.....	۶
۱-۱-۲-معنای محاربه در قرآن کریم و شان نزول آیه.....	۶
۲-۱-معنای فقهی محاربه.....	۹
۱-۲-۱-از دیدگاه فقهای امامیه.....	۹
۲-۲-۱-از دیدگاه فقهای اهل سنت.....	۱۳
۳-۱-بررسی مسائل دخیل در تحقق محاربه.....	۱۴
۱-۳-۱-به کاربردن سلاح.....	۱۴
۲-۳-۲-تحقق خارجی ترس و ارباب (مطلق یا مقید بودن جرم).....	۱۵
۴-۱-محاربه و افساد.....	۱۶
۱-۴-۱-معنای لغوی افساد.....	۱۶
۲-۴-۱-اصطلاح شناسی افساد فی الارض.....	۱۷
۳-۴-۱-رابطه افساد فی الارض با محاربه.....	۱۸
۵-۱-محارب و بغی.....	۲۲
۱-۵-۱-معنای لغوی بغی.....	۲۲

۲۳	۱-۵-۲-معنای اصطلاحی بغی.....
۲۴	۱-۵-۳-شرایط تحقق بغی.....
۲۶	۱-۵-۴-مقایسه بین محارب و باغی.....
۲۷	۱-۶-جرم سیاسی و مقایسه آن با بغی.....
۲۸	۱-۷-جرم بغی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱.....
۳۰	۱-۸-مقایسه بین محارب و تروریسم.....
۳۲	فصل دوم : تحولات قانونی محاربه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱.....
۳۳	۲-۱-۱-ارکان جرم محاربه.....
۳۳	۲-۱-۱-۱-رکن قانونی.....
۳۴	۲-۱-۲-رکن مادی.....
۳۷	۲-۱-۳-رکن معنوی.....
۴۰	۲-۲-نوآوری های قانون جدید در باب محاربه.....
۴۰	۲-۲-۱-توبه مجرم.....
۴۲	۲-۲-۲-عفو مجرم.....
۴۳	۲-۲-۳-مجازات همکاران محارب.....
۴۵	۲-۳-انتقادات وارده بر قانون.....
۴۵	۲-۳-۱-مسئولیت کیفری محارب.....
۴۹	۲-۳-۲-معافیت قانونی ماده ۲۸۰.....
۵۰	۲-۴-ارزیابی انتقادی عملکرد قانونگذار در توسعه مفهوم محاربه.....
۵۰	۲-۴-۱-نقد و ارزیابی کلی.....
۵۳	۲-۵-بررسی جرایم در حکم محاربه.....
۵۳	۲-۵-۱-قانون تعزیرات ۱۳۷۵.....
۵۶	۲-۵-۲-قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲.....
۵۷	۲-۵-۳-قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان.....
۵۸	۲-۶-زمینه و انگیزه تعمیم احکام محاربه به برخی از جرایم.....

۶۰	۷-۲-ایرادات ناظر به تعمیم احکام محاربه به برخی از جرایم.....
۶۰	۷-۲-۱-از نظر شرع.....
۶۳	۷-۲-۲-از نظر حقوق عرفی.....
۶۵	فصل سوم : تبیین فقهی-قانونی افساد فی الارض.....
۶۶	۳-۱-افساد فی الارض در قوانین.....
۶۶	۳-۱-۱-قانون مبارزه با مواد مخدر.....
۶۶	۳-۱-۲-قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری.....
۶۷	۳-۱-۳-قانون اخلال گران در نظام اقتصادی.....
۶۷	۳-۱-۴-قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس.....
۶۸	۳-۱-۵-قانون مجازات عبور دهندگان از مرزها.....
۶۸	۳-۱-۶-قانون مبارزه با قاچاق انسان.....
۶۹	۳-۱-۷-قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیر مجاز می نمایند.....
۷۰	۳-۲-افساد فی الارض در متون فقهی.....
۷۰	۳-۲-۱-احتمال اول: جدایی محاربه از افساد فی الارض(مصادیق علی حده افساد فی الارض).....
۷۰	۳-۲-۱-۱-آدم ربایی.....
۷۰	۳-۲-۱-۲-کفن دزدی(نباش).....
۷۱	۳-۲-۱-۳-مجازات آتش افروز.....
۷۱	۳-۲-۱-۴-اعتیاد به کشتن اهل ذمه و بندگان.....
۷۱	۳-۲-۱-۵-مجازات ساحر.....
۷۱	۳-۲-۱-۶-مجازات محتال و مبنج.....
۷۳	۳-۲-۲-احتمال دوم: یکی بودن محاربه و افساد فی الارض.....
۸۰	۳-۳-جرم انگاری افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱.....
۸۴	نتیجه گیری :
۸۶	پیشنهادات :
۸۷	منابع و مأخذ :

چکیده:

بررسی فقهی-حقوقی محاربه و افساد و تحولات قانونی آن با نگاهی به قانون مجازات اسلامی

سال ۱۳۹۲

ساسان زمانی سیوکی

دو مقوله محاربه و افساد از عناوین فقهی هستند که پس از انقلاب اسلامی به اقتضای اصل چهارم قانون اساسی وارد قوانین جزایی ایران شدند. این دو مفهوم از مفاهیم بحث بر انگیز بوده و در ماهیت آنها میان فقها و حقوقدانان اختلاف زیادی مشاهده می شود. یکی از این اختلافات ثنویت یا یگانگی دو موضوع محاربه و افساد است. عده ای از فقها هیچ تفاوتی میان محاربه و افساد قائل نیستند و در مقابل، عده ای از فقها و مفسران، می گویند مفهوم افساد عام تر از محاربه است، به گونه ای که محاربه فقط یکی از موارد افساد است. با این وجود حتی آن دسته از فقهای که قائل به جدایی این دو جرم هستند، مجازات معینی را برای مفسدین معین نکرده اند. با توجه به اینکه سیر قانونگذاری جرم محاربه و افساد با تحولاتی روبرو بوده و هر چند قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ با نگاهی متفاوت به این موضوع پرداخته و افساد را از محاربه جدا کرده و آنرا در زمره جرایم حدی قرار داده، اما با سیر و واکاوی بر اساس مستندات فقهی می توان به این نتیجه رسید که مجازات محارب، موارد مذکور در آیه محاربه و مجازات مفسد به دلیل عام بودن لفظ افساد و عدم تعریف دقیق از جرم افساد، تعزیر می باشد که بر اساس حکم حکومتی و متناسب با جرم تعیین می گردد. لیکن نگاهی گذرا به عناوین مجرمانه علیه امنیت نشان می دهد که این دو عنوان در سیاست کیفری قانونگذار با دیدگاهی توسعه ای، در عرصه های گوناگونی تبلور یافته است. بسیاری از این عناوین مجرمانه از مصادیق (بغی) و یا (جرم سیاسی) بوده و اعمال کیفر محاربه بر آنها خالی از ایراد نیست. از طرفی بسیاری از عناوین مجرمانه بر چسب افساد گرفته و مجازات شدید اعدام برای مرتکبین آنها در نظر گرفته شده است که این شیوه قانونگذاری در تعارض با اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها و لزوم احتیاط در دماء می باشد و به علاوه باعث تفسیرهای متعدد از سوی حقوقدانان می شود.

کلید واژه: محاربه، افساد، تحولات قانونی، قانون مجازات اسلامی سال ۹۲



## مقدمه:

در شریعت، جرایم به محذورات شرعی که خداوند متعال از آنها به وسیله حد یا تعزیر منع کرده است تعریف شده اند. و محذور، عبارت است از انجام فعلی که از آن نهی شده و یا ترک فعلی که به آن امر شده است. پس جرم، انجام عملی است که حرام و دارای مجازات است و یا ترک فعلی است که شرع انور به تحریم و مجازات بر آن تصریح کرده است. جرم در میان پدیده های گوناگون اجتماعی نیز رفتاری مورد انزجار و نفرت جامعه است، که با توجه به شدت و ضعف آن، مستلزم عقوبت می گردد. با پیروزی و به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره)، یکی از برنامه های دولت اسلامی پس از استقرار نظام اسلامی وضع قوانین کیفری مبتنی بر احکام شرع مقدس و لغو مقررات مغایر بود.

با تصویب مقررات جزای اسلامی تقسیم بندی جرایم از خلاف، جنحه و جنایت به حدود و قصاص و تعزیرات تغییر یافت و دو عنوان محاربه و افساد فی الارض از عناوین فقهی بودند که پس از پیروزی انقلاب به اقتضای اصل چهارم قانون اساسی وارد قوانین جزایی ایران شدند. محاربه یکی از جرایم مستلزم مجازات حد است که مورد اتفاق تمام مذاهب اسلامی است. اما به رغم این توافق در مصادیق، جزئیات و فروعیات مسئله من جمله در تعریف و قلمرو محاربه دیدگاه های مختلف از جانب فقهای مذاهب اسلامی چه شیعه چه سنی ابراز شده است. از جمله اختلاف در خصوص جرم محاربه بین شیعه و سنی این است که فقهای شیعه برخلاف فقه اهل تسنن موضوع حد محاربه را صرفاً قطع طریق و راهزنی ندانسته اند، بلکه راهزنی را یکی از مصادیق اعلاای حد محاربه شمرده اند.

با این وجود، در قوانین جرایمی می توان یافت که محاربه، در حکم محاربه، افساد فی الارض یا در حکم افساد فی الارض محسوب گشته اند (یا در شرایطی می توانند محسوب شوند)، در حالی که برخی از این جرایم، هیچ ارتباطی با محاربه و افساد فی الارض نداشته و برخی از آنها جرم (بغی) یا همان جرم سیاسی محسوب می شوند؛ چرا که محاربه و افساد فی الارض، مفاهیمی بحث بر انگیز بوده و در باره ماهیت آنها اختلاف زیادی در میان فقها به چشم می خورد. منشأ این اختلافها، برداشتهای متفاوت از آیه محاربه است:

(إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ...) یعنی همانا کسانی که با خدا و رسولش می ستیزند و در زمین به فساد می کوشند؛ جزایشان این است که کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا دست و پاهایشان یکی از چپ و دیگری از راست بریده شود و یا از آن سرزمین رانده شوند؛ این رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت برایشان عذابی بزرگ خواهد بود. (مائده/۳۳) دو عنصر اساسی محل نزاع در این آیه عبارتند از (يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ) (محاربه) و (وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا) (افساد فی الارض).

بنابراین، لازم است بر اساس مستندات فقهی و حقوقی به واکاوی در باره این دو مقوله پرداخت تا با دستیابی به تعریفی متقن از آن دو، رابطه بین محاربه و افساد فی الارض روشن گردد.

## بیان مسأله:

یکی از موارد قابل بحث، مقایسه محاربه با جرم افساد فی الارض است که بین فقها و حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. عده ای برآنند که این دو یک جرم واحدند اما در مقابل عده ای دیگر اعتقاد بر این دارند که هر کدام عنوان مستقل دارند. مفهوم افساد نیز به جهت عدم تعریف دقیق از آن در متون فقهی، مفهومی ابهام آلود و اختلاف بر انگیز در میان فقها و حقوقدانان می باشد. اما باسیر و واکاوی بر اساس مستندات فقهی می توان به تعریفی متقن از این دو مقوله دست یافت که مطابق آن مجازات محارب، موارد مذکور در آیه محاربه و مجازات مفسد به دلیل عدم تعریف دقیق و عام بودن لفظ افساد، تعزیر می باشد که بنابر صلاحدید حاکم اسلامی و متناسب با جرم تعیین می گردد. لیکن با نگاهی گذرا به عناوین مجرمانه علیه امنیت در قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین از جمله قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۶۷، قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۶۷، قانون اخلاص گران اقتصادی مصوب ۶۹، قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس مصوب ۶۹، قانون مجازات عبور دهندگان از مرزها مصوب ۶۷، قانون تشدید مجازات محتکران و گران فروشان و به ویژه جرائم نیروهای مسلح مصوب ۸۲، نشان می دهد که این دو عنوان در سیاست کیفری قانونگذار، با دیدگاهی توسعه ای، در عرصه های گوناگون تبلور یافته است.

از این رو، مقنن عنوان محارب یا افساد فی الارض و در بعضی از موارد در حکم محارب یا به مجازات محارب و در بعضی موارد به طور جمع عنوان محارب و مفسد فی الارض را آورده است که جعل عنوان محارب و مفسد از سوی مقنن برای برخی از اعمال مذکور در قوانین صحیح به نظر نمی رسد. به عنوان مثال به سختی می توان مواردی مثل ترک پست موضوع ماده ۴۳، خواب در حین نگهبانی موضوع ماده ۴۴ قانون جرائم نیروهای مسلح را از مصادیق جرم محاربه یا افساد فی الارض برشمرد. از این رو قوانین مزبور بدون توجه به موازین فقهی و حقوقی و قصد و نیت مرتکب در موارد متعددی مجازات محارب و مفسد را جعل نموده که قابل انتقاد به نظر میرسد.

جدای از این بحث، مقنن در بعضی از قوانین از جمله قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۰ و قانون جرائم نیروهای مسلح مصوب ۸۲ بدون توجه به تعریف بغی، به دلیل اختلاط مفاهیم بغی و محاربه، مجازات محارب را بر باغیان که احیاناً مجازات اخفی دارند بار کرده است؛ حال آنکه محاربه جرم عمومی بوده و بغی خروج علیه حاکمیت است و هر کدام در فقه، مجازات و احکام مربوط به خود را دارند.

با وجود این هر چند در قانون مجازات اسلامی، مصوب ۹۲، محارب از افساد فی الارض و بغی جدا شده است ولی همچنان جرایمی در قانون تعزیرات ۷۵ و قوانینی که ذکر شد وجود دارد که صدق عنوان محارب بر این جرایم به دور از انصاف و قابل پذیرش با تعریف فقهی آن نمی باشد. از طرف دیگر در ارتباط با جرم افساد فی الارض در قانون جدید، هر چند اصل این سخن، که مقررات اسلامی و از جمله مقررات کیفری همگی به منظور جلب مصالح و دفع مفسد از اجتماع بشری سخنی صحیح و غیر قابل خدشه است اما با این استدلال تنها می توان جرم بودن عمل متصف به افساد فی الارض را ثابت نمود، اما امکان مجازات اعدام بر هر مفسدی با برهان مزبور ناممکن است و تطبیق مصادیق مورد نظر مقنن با این مفهوم-افساد فی الارض- چندان آسان نبوده و نیازمند بررسی محققانه و کارشناسی اهل فن و آگاه در این زمینه است.

## پرسش ها:

۱- با توجه به جداسازی عنوان محاربه از افساد فی الارض و بغی در قانون مجازات اسلامی جدید، مبنای این تحولات چه بوده است؟

۲- بر اساس چه دیدگاهی می توان مجازات اعدام را برای مفسدین فی الارض بار کرد؟

فرضیه اول: مبنای این تحولات، عناوین فقهی مستقل این جرائم در قرآن و سنت است.

فرضیه دوم: بر اساس دیدگاههای حکومتی و صلاحدید حاکم اسلامی می توان مجازات اعدام را بر مفسدین اعمال کرد.

## اهداف تحقیق :

در این پژوهش سعی شده است که به سیر تحولات قانونی جرم محاربه و افساد فی الارض در قوانین و همچنین به نقد و بررسی تعریف مقنن از جرم محاربه و افساد فی الارض و برخی از مواد قانون مجازات اسلامی، و قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۹۲ و دیگر قوانین پرداخته شود و تعریفی جامع و مانع از محاربه و افساد فی الارض از دیدگاه فقها و حقوقدانان ارائه داده شود تا از صدق عنوان محارب بر باغی و مفسد فی الارض و جرایم دیگری که عنوان محاربه بر آنها صدق نمی کند جلوگیری شود.

## پیشینه تحقیق :

تحقیق مستقلی با این موضوع و از این منظر مشاهده نگردید، اما کتاب ها، مقالات و پایان نامه هایی در این رابطه موجود است از جمله : محاربه در حقوق کیفری ایران از محمد جعفر حبیب زاده، بایسته های فقه جزا از سید محمود هاشمی، جرایم علیه امنیت کشور از رجب گلدوست جویباری، تفسیر آیه محاربه از صالحی نجف آبادی، افساد فی الارض در فقه و قوانین موضوعه از مهدی نعناکار، کاوشی در مجازات محارب و مفسد فی الارض از مومن قمی، افساد فی الارض از دیدگاه قرآن و روایات و عقل از محمد حسن مرعشی شوشتری، بررسی محاربه و افساد فی الارض در فقه و قوانین موضوعه از غلامحسین الهام، سیری در مستندات فقهی جرم افساد از حسینعلی بای، بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض در فقه و حقوق با رویکردی به لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی از ابوالفضل احمد زاده، ماهیت محاربه و افساد از محمد رضا خرم شاد و... اما تفاوتی که این موضوع با موضوعات پیشین دارد در این است که با توجه به اینکه سیر قانون گذاری جرم محاربه و افساد فی الارض با تحولاتی روبه رو بوده و قانون جدید مجازات اسلامی نیز با نگاهی متفاوت به این موضوع توجه داشته، در این پژوهش برآنیم که سیر این تحولات را در عرصه فقهی و حقوقی با نگاهی به قانون جدید مورد بررسی قرار دهیم که این مسأله خصیصه متفاوت این پژوهش نسبت به پژوهش های قبلی است .

## روش تحقیق :

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار کتاب خانه ای با استفاده از کتب، مقالات، اسناد و مقالات الکترونیکی انجام می پذیرد، پژوهش بر اساس تجزیه و تحلیل بر روی داده و تطبیق آرای گوناگون و ارائه نظرات خود، در نهایت به نتیجه گیری و پیشنهادات خواهد رسید

## سازماندهی تحقیق:

این پایان نامه در سه فصل تنظیم یافته است. فصل اول به کلیات و مفاهیم می پردازد که مشتمل بر هشت بخش می باشد. بخش نخست به تعریف لغوی محاربه و بررسی معنای آن در قرآن کریم پرداخته، بخش دوم به بررسی اصطلاحی آن از نظر فقهای امامیه و اهل سنت، بخش سوم به بررسی مسائل دخیل در تحقق محاربه که خود شامل دو مبحث می باشد. در بخش چهارم به تعریف لغوی افساد و اصطلاح شناسی آن و رابطه اش با محاربه پرداخته، بخش پنجم به معنای لغوی و اصطلاحی بغی و شرایط تحقق جرم بغی و مقایسه آن با محاربه و در بخش های پایانی به مقایسه بین جرم بغی با جرم سیاسی، جرم انگاری جرم بغی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و مقایسه محاربه با تروریسم پرداخته شد.

در فصل دوم به تحولات قانونی جرم محاربه در قانون جدید که مشتمل بر هفت بخش است. بخش نخستین به ارکان جرم محاربه، بخش دوم و سوم به نوآوری ها و ایرادات قانون جدید پرداخته، که شامل پنج مبحث است. در بخش چهارم عملکرد قانونگذار در توسعه مفهوم محاربه را مورد بررسی قرار دادیم که شامل یک بحث انتقادی می باشد. در بخش پنجم به

زمینه و انگیزه تعمیم احکام محاربه به برخی از جرایم، در بخش ششم به بررسی موردی جرایم در حکم محاربه پرداخته و در بخش آخر به ایرادات ناظر به تعمیم احکام محاربه به برخی از جرایم در قوانین مورد بررسی قرار گرفت.

فصل سوم به تبیین فقهی-قانونی افساد فی الارض پرداخته که مشتمل بر سه بخش است. در بخش اول به تبیین قانونی افساد پرداخته که در هشت مبحث در قوانین مختلف به این موضوع اشاره شده است. بخش دوم به تبیین فقهی افساد که شامل دو مبحث و با دو احتمال به رابطه بین محاربه و افساد فی الارض اشاره دارد. بخش سوم به بررسی جرم انگاری افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ می پردازد.

## فصل اول: کلیات و مفاهیم

مقررات کیفری ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تبع تحول اساسی در بنیادهای اساسی حکومت، دچار تحولی عمیق و وسیع گردیده است. با توجه به اینکه بر اساس اصل چهارم قانون اساسی، کلیه مقررات و قوانین موضوعه باید بر اساس احکام فقهی تدوین شوند و از آنجا که نصوص آیات و روایات مستند احکام فقهی است، قبل از آنکه رکن قانونی هر جرم بررسی شود، رکن شرعی آنها، یعنی آیات و روایاتی که مبنا و ملاک رکن قانونی اند، مطالعه می گردند. از این رو در اینجا نیز، ابتدا مستندات فقهی بررسی خواهند شد.

## ۱-۱-معنای محاربه

### ۱-۱-۱-معنای لغوی محاربه:

در لسان العرب آمده «حرب» نقیض «سلم» است و به معنای سازگاری و نقیض آن «حرب» به معنای ناسازگاری است که گاهی به صورت ربودن مال و گاهی به صورت غضب و زمانی، به صورت جنگ و درگیری نظامی جلوه می کند. (ابن منظور ۱۳۸۸، ۳۰۲) بنا بر این، در لغت عرب «محاربه» مصدر باب مفاعله است که در «حَارَبَ» بر وزن فاعَلْ به معنای سلب و غارت کردن و با سکون «راء» به معنای جنگیدن و نزاع - نقیض سلم - است که جمع آن «حروب» است. (معلوف، ۱۳۶۴، ۱۲۴) پس می توان گفت، کلمه «حرب» الزاماً به مفهوم جنگ نیست، همچنان که قرآن کریم در باره کسانی که ترک ربا نمی کنند، می گوید: «اگر ربا را ترک نکنید، بدانید که حربی از جانب خدا و رسولش (ص) متوجه شما خواهد شد» (سوره بقره، آیه شریفه ۲۷۹).

محاربه مصدر از باب مفاعله است که مجرد آن حارب بر وزن فاعل و مضارع آن يحارب بر وزن يفاعل است، و محارب اسم فاعل حارب می باشد که ریشه آن از فعل ثلاثی مجرد حرب می باشد. حرب کلمه ای است عربی که در لغت به معنای جنگیدن، مبارزه کردن، عدوات و دشمنی نمودن است و همچنین به معنی ربودن، غارت کردن و تاراج غنائم جنگی آمده است. (سیاح، ۱۳۶۶، ۹۲)

قاموس قرآن نیز «حرب» را به معنای جنگ آورده است و به خاطر همین معنا محراب مسجد را که محل جنگ با شیطان و هوای نفس است به این نام نامیده اند. (قرشی، ۱۴۱۲ ه.ق، ۱۱۴)

### ۱-۱-۲-معنای محاربه در قرآن کریم (تفسیر آیه محاربه) و شأن نزول آیه :

علاوه بر معانی که در کتاب های لغت آمده، واژه حرب و محاربه هشت بار در قرآن کریم به کار رفته و به معنای زیر آمده است: (دامغانی، ۱۳۶۱، ج ۱، ۱۵۱)

الف- کافر شدن، چنانچه در آیه ۲۷۹ سوره بقره «فَأَنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» خطاب به ربا خواران که در آیه قبل مکلف به دریافت نکردن ربا شده اند آمده است: اگر ربا خواری نکنید با خدا و رسول او اعلام جنگ کرده اید که به معنای کفر ورزیدن به آنهاست. (همان)

ب- کارزار، جنگ مقاتله، در آیه ۵۷ سوره انفال آمده است: «فَأَمَّا تَثَقَفَتْنَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَالْحَرْبُ فَشَرٌّ بِهَيْمٍ مِّنْ خَلْفِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ» یعنی (ای رسول خدا) پس اگر آنها را در جنگ بیایی، پراکنده شان ساز تا پیروانشان نیز پراکنده شوند؛ باشد که عبرت گیرند. در قسمتی از آیه ۶۴ سوره مائده خداوند می فرماید: هرگاه کفار آتش جنگ را افروختند، خداوند آن را خاموش ساخت. (همان)

ج) جنگیدن و مقاتله کردن: در آیه ۳۳ سوره مائده «أَمَّا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...» محاربه در مفهوم حرب به معنای قتال و جنگ به کار رفته و در مقابل سلم است. (همان و صابونی، ۱۴۰۰ ه.ق، ۵۴۶)

در مورد معنای حرب در آیه بالا با توجه به اینکه به خدا و رسولش نسبت داده شده در مباحث بعدی در این مورد توضیح مفسران را خواهیم آورد.

در تفسیر آیه مورد بحث (آیه محاربه) مفسران در شأن نزول آن و به عبارت دیگر در تشخیص حادثه که سبب نازل شدن این آیه شده است اختلاف نظر وجود دارد و چند احتمال ذکر کرده اند:

۱- جمعی از مشرکان خدمت پیامبر (ص) آمدند و مسلمان شدند؛ اما آب و هوای مدینه به آن ها نساخت، رنگ آنها زرد و بدنشان بیمار گشت. پیامبر (ص) برای بهبودی آنها دستور داد به خارج از مدینه در نقطه خوش آب و هوایی از صحرا که شتران زکات را در آنجا به چرا می برند، بروند و ضمن استفاده از آب و هوای آنجا از شیر تازه شتران به حد کافی استفاده کنند. آنان چنین کردند و بهبودی یافتند، اما به جای تشکر از پیامبر (ص) دست و پای چوپانهای مسلمان را قطع کردند و چشمان آنها را از بین بردند. سپس دست به کشتار آنها زدند و شتران زکات را غارت کردند و از اسلام بیرون رفتند. پیامبر (ص) دستور داد آنها را دستگیر کردند و به عنوان مجازات، همان کاری را با آنها کردند که بر چوپانها روا داشتند؛ یعنی چشم آن ها را کور کردند و دست و پایشان را بریدند و کشتند تا عبرت دیگران شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱، ۳۵۸)

۲- عبدلقادر عوده می گوید: « عده ای معتقدند آیه بر مشرکان نازل شده است که پیمان خود را با رسول شکستند و قطع سبیل و افساد فی الارض کردند و عده دیگر معتقدند در مورد عده ای از اهل کتاب است و عده ای معتقدند که آیه در مورد قومی است که اسلام آوردند، سپس مرتد شدند و شتر پیامبر را کشتند». (عوده، بی تا، ۳۶۹)

همچنین ملا فتح الله کاشانی در این باره می گوید: « آگاه باش که در باره نزول آیه سه قول دیگر واقع شده است، یکی آنکه؛ نزول آیه در شأن جماعتی است که میان آنها و پیامبر (ص) پیمانی بود و آنها را نقض کردند و در زمین فساد کردند و این قول از ابن عباس و ضحاک نقل شده است. دوم اینکه؛ در حق اهل شرک نازل شد که این قول، از حسن و عکرمه منقول است و سوم؛ آن است که در نزد اکثر فقها، این آیه در خصوص قطاع الطريق نازل شده است» (کاشانی، ۱۳۸۲، ج ۳، ۲۲۲)

در «تهذیب الاحکام» از ابی صالح، از امام جعفر صادق روایت شده است: «عده ای از قبیله بنی ضبه درحالی که همه بیمار بودند، به حضور حضرت رسول رسیدند. حضرت به ایشان دستور داد چند روزی آنجا بمانند تا بیماری شان برطرف شود و بهبود یابند، آنگاه ایشان را به جنگ خواهد فرستاد. این عده می گویند: وقتی از مدینه خارج شدیم، رسول خدا ما را مأمور کرد تا در بیابان نزد شتران صدقه- که بعنوان زکات گرفته شده بود- برویم و شیر آنها را بخوریم و ما نیز چنین کردیم تا همه بهبود یافتیم و نیرومند شدیم. امام (ع) اضافه کردند که این عده همین که نیرومند شدند، سه نفر از چوپان های رسول خدا را به قتل رساندند. رسول خدا (ص) امام علی (ع) را برای دستگیری و سرکوبی آنان روانه کرد. امام علی (ع) آنان را در یک وادی پیدا کرد که بحال سرگردانی افتاده بودند؛ چون آن بیابان در نزدیکی های یمن بود و آنان نمی توانستند از آن خارج شوند؛ پس امام علی (ع) آنها را اسیر کرد و به نزد رسول خدا (ص) آورد. در اینجا بود که آیه شریفه- مذکور- نازل شد.» (طوسی، ۱۴۰۱ ه. ق، ۱۳۴)

علامه طباطبائی در تفسیر آیه مذکور چنین می فرماید: «محاربه و جنگ با خدا، اگرچه بعد از امکان نداشتن معنای حقیقی، شامل هر نوع مخالفتی با حکم خداوند شرع می باشد؛ اما همراه شدن محاربه با خدا و محاربه با رسول، اینگونه تداعی می کند که مراد از آیه محاربه، اخلال در امنیت عمومی جامعه است که مورد ولایت و حکومت الهی پیامبر (ص) می باشد، مانند جنگ کفار با پیامبر (ص) و اخلال گری قطاع الطريق و راهزنان و مراد از افساد در زمین، قطع طریق و راهزنی است نه هر جنگ و محاربه با مسلمانان» (طباطبائی، ج ۵، ۱۳۵۶، ۳۲۶)

بر این اساس، باید پذیرفت که هر گونه محاربه ای با مسلمانان در این معنای مجازی لحاظ شده است. محاربه انواع گوناگونی دارد، گاهی کافران با مسلمانان می جنگند و گاهی گروهی از خود مسلمانان علیه حکومت اسلامی قیام می کنند و با آن می جنگند، و گاهی گروهی از مسلمانان به قصد ایجاد ناامنی و ارباب و غارت و خون ریزی، با گروهی دیگر از ایشان به جنگ می پردازند. هر قسم از این محاربه ها را می توان مجازا محاربه با خدا و رسول به شمار آورد و در نتیجه مصداق آیه کریمه دانست، اما با توجه به قرائن متعدد، بدون شک محاربه کافران با مسلمانان، مراد آیه نیست. روشن ترین این قرینه ها، استثنایی است که در آیه بعد آمده است (إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ<sup>۱</sup>) ظاهر این آیه آن است که مراد از توبه، توبه از محاربه

<sup>۱</sup>سوره مائده، آیه ۳۴

است نه توبه از شرک، و این خود قرینه ای است بر آنکه این محاربان از مسلمانان هستند و به مجرد اینکه قبل از پیروزی بر آنها، دست از محاربه بردارند و توبه کنند، سایر احکام مسلمانی در مورد آنان اجرا می شود -چنانچه در دیگر حدود الهی نیز این چنین است اما اگر محاربان از کافران باشند و جنگ با آنها به سبب کفرشان باشد، در صورتی عفو شامل حال آنها می شود که در حصن اسلام در آیند و صرف دست از جنگ کشیدن کافی نیست. بلکه اساسا تعبیر (توبه) که در آیه آمده است به خودی خود شاهد بر آن است که منظور آیه، محاربان مسلمان است نه کافر، چرا که توبه برای مسلمان است نه برای کافر، کافر ایمان می آورد و داخل حوزه اسلام می شود و برای این حالت، تعبیر توبه به کار نمی رود. در هر صورت، تردیدی نیست که آیه محاربه، شامل محاربه کافرانی که از روی کفر با مسلمانان می جنگند نمی شود.

بلی اگر کافری به قصد ارباب و غارت با مسلمانان بجنگد، مشمول آیه محاربه می شود، ولی مصداق قسم سوم از اقسام محاربه خواهد بود. مقصود بیان این نکته است که محاربه ای که به خاطر اسلام و کفر، یا به قصد سرنگون کردن حکومت اسلامی، میان کافران و مسلمانان در می گیرد، قطعاً مشمول آیه نیست. پس مراد از محاربه در آیه، یا قسم دوم از محاربه است یعنی محاربه مسلمانانی که از روی بغی و سرکشی علیه حکومت اسلامی شورش کرده اند که همان محاربه با امام و حاکم اسلامی است، یا قسم سوم از محاربه است یعنی محاربه به صورت ارباب و تجاوز به مال و جان مسلمانان. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸، ۱۷۹)

برخی گفته اند: از ظاهر آیه چنین بر می آید که موضوع احکامی که در آیه بیان شده است، خصوص مسلمانانی است که در مقابل دولت اسلامی به قیام مسلحانه برخیزند و شامل کسی که به قصد ارباب مردم و گرفتن اموال آنها، دست به اسلحه می برد و کسی که گناهان کبیره انجام می دهد، نمی شود. زیرا کسی که در مقابل دولتی بایستد که پیامبر بنیان گذار آن بوده است حقیقتاً محارب با پیامبر است، اما کسی که با گروهی از مسلمانان به قصد گرفتن اموال آنها محاربه کند، حقیقتاً محارب با پیامبر شمرده نمی شود. بلی اگر دلیل خاصی وجود داشته باشد که چنین محاربی را نیز محارب با پیامبر بشمرد، آن را می پذیریم، البته در این صورت چنین محاربی، از مصادیق ادعایی موضوع آیه است، یعنی می توان ادعا کرد کسی که به قصد برهم زدن امنیت و آرامشی که دولت اسلامی ایجاد کرده است، دست به سلاح ببرد، همانند کسی است که مستقیماً به جنگ با دولت برخاسته باشد. اما باید دانست که گسترش دایره عموم به نحوی که شامل مصادیق ادعایی نیز شود، خلاف ظاهر است و نمی توان آنرا پذیرفت مگر اینکه دلیلی و قرینه ای در کار باشد و در این آیه چنین قرینه ای وجود ندارد. اگر ما باشیم و نفس آیه محاربه، آیه موارد ارباب مسلحانه را در بر نمی گیرد. (مومن، ۱۴۱۵ه.ق، ۳۷۶)

بر این سخن اشکالاتی وارد کردند:

اولاً، چنانکه پیش از این اشاره کردیم، اضافه محاربه به خدا و رسول حتی در مورد بغی و قیام علیه حکومت اسلامی، از نوع اضافه حقیقه نیست. به صرف اینکه نخستین بنیان گذار دولت اسلامی شخص پیامبر(ص) بوده است نمی توان گفت که اگر کسی امروز هم علیه دولت اسلامی قیام کند، حقیقتاً محارب با پیامبر است. در اینجا محاربه حقیقی با پیامبر صدق نمی کند. پس چاره ای نیست جز اینکه به (مجاز) متوسل شد، مجاز در اسناد یا مجاز در کلمه، و در هر دو فرض همان گونه که محاربه مجازی در مورد قیام و محاربه با دولت اسلامی صدق می کند، در مورد محاربه با مسلمانان و ارباب و سلب امنیت آنها نیز صدق می کند، چرا که امت اسلامی نیز از دست آوردهای پیامبر بوده و تحت ولایت اوست.

ثانیاً، در روایات شیعه و سنی و در تفسیر و تاریخ، ثابت شده است که شان نزول آیه مبارکه، ماجرای (عربین) یا قومی از بنی ضبه بوده است که بیمار بودند و نزد پیامبر(ص) آوردند، پیامبر بدانها فرمود: نزد ما بمانید و چون سلامت خود را باز یافتید، شما را به سریه ای می فرستم. ایشان گفتند ما را از مدینه به جایی دیگر بفرست، پیامبر ایشان را به محل نگهداری شترهای زکاتی فرستاد تا از ادرار شترها برای مداوا و از شیر آنها برای خوراک خود استفاده کنند. چون شفا یافتند و قوت گرفتند، سه نفر از نگهبانان شترها را کشتند. این خبر به پیامبر رسید و او علی(ع) را از پی آنان فرستاد، آنها در بیابانی نزدیک یمن سرگردان شدند و نمی توانستند از آن خارج شوند، علی(ع) ایشان را اسیر کرد و نزد پیامبر آورده. آن گاه این آیه نازل شد: (إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...).



اگر چه روایات شیعه و سنی و نیز سخنان تاریخ نویسان در تفصیل جزئیات و خصوصیات این داستان مختلف است بعضی گروه مذکور را از بنی سلیم شمردند و بعضی از عرینه (قومی در بجیله)، یا در بعضی روایات آمده است که پیامبر آنها را به دار آویخت و دست و پایشان را قطع کرد و چشمانشان را نیز درآورد، زیرا آنان با نگهبانان شترها همین کار را کرده بودند، و برخی دیگر از روایات اهل سنت و روایات ما چنین رفتاری را تکذیب کرده و گفته اند که پیامبر هرگز چشمی را درنیارود و فقط دست و پای آنان را قطع کرد. با این همه، اصل این داستان و نزول آیه در شان آن، شاید از مسلمات باشد و اینکه محاربه این گروه، از نوع غارت اموال و قتل نگهبانان زکات بوده نه از نوع بغی و قیام علیه حکومت اسلامی، نیز از واضحات است. بر این اساس جای تردید نیست که آیه مبارکه به قسم سوم از اقسام محاربه نظر دارد زیرا قدر متیقن در مورد آیه همین قسم سوم است.

ثالثاً، این نظر خلاف ظاهر روایات خاصه ای است که در پی می آیند. این روایات که به شرح و تفصیل موضوع آیه پرداخته اند فقط قسم سوم از اقسام محارب را ذکر کرده اند یعنی کسی که به قصد ارباب، سلاح کشیده باشد و درباره باغیان و سرکشان علیه حکومت، سکوت کرده اند. با این وصف چگونه ممکن است که این روایات را حمل کرد بر بیان مصداق ادعایی موضوع در حالی که اصلاً متعرض بیان مصداق حقیقی آن نشده اند، آیا می توان این گونه بیان را بیان عرفی دانست؟

بدین ترتیب روشن می شود که آنچه مورد نظر آیه مبارکه است، همانا محاربه به صورت ارباب و سلب امنیت از مردم است و در این نکته هیچ تردیدی روا نیست، چنانکه تمامی فقیهان و مفسران نیز مراد آیه را همین گونه فهمیده اند. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸، ۱۷۸)

« به نظر می رسد آیه شریفه ، در خصوص مطلق محاربه بحث نمی کند و نمی خواهد حکم همه گناهان را بیان کند ؛ بلکه فراین موید این برداشت است که آیه مذکور به دنبال حکم نوعی از محاربه است که از مصادیق فساد در زمین به شمار می آید . شاهد این دیدگاه این است که در این آیه منظور است . شاهد دیگر اینکه مجازات های مقرر در آیه ؛ یعنی اعدام و به دار آویختن و قطع دست و پا بر خلاف یکدیگر و تبعید با جرم های اجتماعی که شر آنها به جامعه می رسد ، مناسب است . (صالحی نجف آبادی ، ۱۳۸۱ ، ۶۲)

« از بیانات و تفسیر مفسران امامیه و اهل سنت استنباط می شود که آیه محاربه ، هم شامل مسلمانان می شود و هم شامل کفار، چرا که ملاک اصلی برای مجازات های اربعه در آیه شریفه ، ایجاد فساد در جامعه است . بنا بر این هر کس با هر عقیده و مسلکی در پی فساد جامعه باشد ، باید اندازه سنگینی جرمش مجازات شود.» (گلدوزیان، ۱۳۸۸ ، ۲۵۸)

« موید این قول به کار بردن افعال مضارع در آیه مذکور است که از آن استفاده می شود هر کس پس از نزول آن ، مرتکب محاربه شود ، مشمول حکم آیه است و عدم تقیید حکم آیه به زمان و مکان خاص موید مجری بودنش در همه زمانهاست» (حبیب زاده ، ۱۳۷۹ ، ۸)

۱-۲- معنای فقهی محاربه :

۱-۲-۱- از دیدگاه فقهای امامیه:

قبل از اینکه به بررسی فقهی محاربه بپردازیم، لازم است به تعریفی که از آیه شریفه برداشت می شود اشاره نمود و سپس به تعریف فقهی بپردازیم .

آنچه از ظاهر آیه استنباط می شود « محاربه عبارتست از جنگیدن با خدا و رسول گرامی (ص)» ایرادی که بر این تعریف وارد است این است که : الف- جنگیدن با خدا و رسول بصورت ظاهری و بالفعل غیرممکن و غیر قابل تصور است ، بنابراین تحقق معنای حقیقی آن مقدور نمی باشد.

اما این اشکال قابل رفع است زیرا اگر چه جنگ با خدا بصورت حقیقی مقدور نیست ، لکن باید آنرا حمل بر معنای مجازی نماییم. همانگونه که گفته شده:

معنای حقیقی حرب هرچه باشد، اضافه شدن لفظ محاربه به (الله) و (الرسول) در آیه مبارکه، قرینه ای است بر اینکه معنای حقیقی این کلمه مراد نیست، زیرا محاربه به معنای حقیقی آن، با خدا ممکن نیست و با رسول اگرچه ممکن است اما قطعاً در این جا مراد نیست، زیرا خصوص کسانی که با شخص پیامبر می جنگیدند مقصود آیه نیست، چه در این صورت آیه اختصاص داشت به زمان حیات پیامبر، در حالی که کسانی که با پیامبر می جنگیدند فقط کافران زمان او بودند و چنانکه خواهد آمد، کافران زمان پیامبر قطعاً از مدلول این آیه بیرون هستند. بلکه نفس اضافه شدن لفظ محاربه به خدا و رسول باهم، خود قرینه ای است بر اینکه مراد از آن، معنای گسترده تری از جنگ مستقیم و شخصی است و آن معنا یکی از این دو امر است:

۱. مراد از محاربه همان گونه که در لسان العرب آمده، هر گونه عصیان و مخالفت با حکم خدا و رسول است. بر این اساس، استعمال لفظ محاربه در مطلق عصیان و مخالفت، از قبیل مجاز در کلمه است.

۲. مراد از محاربه با خدا و رسول، محاربه با مسلمانان است ولی به منظور بزرگ جلوه دادن آن و توجه دادن به اهمیت امت اسلامی و اینکه جنگ با امت اسلام به منزله جنگ با خدا و رسول است، لفظ محاربه در آیه، به خدا و رسول اضافه شده است. زیرا امت اسلام منتسب به خدا و پیامبر و تحت ولایت آنهاست. چنین معنایی به منزله مجاز در اسناد است. فاضل مقداد در تفسیر خود، همین معنا را برگزیده است.

ظاهراً، احتمال دوم متعین است، زیرا عنوان (حرب) در آیه به کار رفته است و مقتضای آن این است که این کلمه به معنای خود استعمال شده باشد و الغای معنای اصلی آن، وجهی ندارد. علاوه بر این، پذیرفتن مجاز اسنادی در این جا روان تر و رساتر است، زیرا منتسب کردن امت اسلام به خدا و رسول و محاربه با آن را محاربه با خدا و رسول دانستن، بیانگر نکته عرفی روشن و رسایی است. بر خلاف احتمال اول و استعمال لفظ محاربه در مطلق معصیت و مخالفت با امر و نهی شارع. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸، ۱۷۸)

ب- اشکال دیگر این است که محاربه با رسول خدا (ص) نیز در زمان آن حضرت امکانپذیر بوده و در حال حاضر بالفعل امکان تحقق آن نیست ، این ایراد نیز قابل رفع است زیرا که با اطلاق آیه مطابقت ندارد چرا که آیه اختصاص به زمان و مکان خاصی ندارد، بلکه حکمی است مطلق و کلی که در همه زمان ها و همه مکان ها جاری است و محدود کردن آن به زمان خاص بر خلاف شمول آیه است و بدیهی است که مخالفت و محاربه با رسول خدا در همه زمانها قابل تحقق و تصور است ، و در این معنی شامل مخالفت با رسالت و احکام الهی از طریق آن حضرت انشاء و ابلاغ شده و می گردد . (گلدوست جویباری ، ۱۳۸۸ ، ۲۳)

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان به این معنی اشاره دارد که چون تعریف محاربه را بطور مستدل بیان نموده لذا ذیلاً آن را نقل می کنیم : « جمله یحاربون الله از آنجا که معنای تحت اللفظی حقیقیش در مورد خدای تعالی محال است ، ناگزیر باید بگوییم معنای مجازی آن منظور است. از این جهت معنای وسیع و دامنه داری خواهد داشت که هم شامل مخالفت با یک یک احکام شرعی می شود و هم بر هر ظلم و تجاوزی صادق است. اما از آنجا که در آیه شریفه رسول خدا(ص) را هم ضمیمه کلمه الله کرده ، این معنی را به ما می فهماند که مراد از محاربه دشمنی با خدا در خصوص مواردی است که رسول خدا نیز در آن دخالتی دارد و در نتیجه تقریباً متعین می گردد که بگوییم : مراد از محاربه با رسول خدا ، عملی است که برگشت می کند به ابطال اثر چیزی که رسول از جانب خدای سبحان برای آن چیز ولایت دارد ، نظیر جنگیدن کفار با رسول یا مسلمانان و راهزنی راهزنان که امنیت عمومی را خدشه دار می سازد ، امنیتی را که با گسترش دامنه ولایت رسول آن را گسترش داده و هم اینکه بعد از ذکر محاربه با خدا و رسول جمله « یسعون فی الارض فساداً » را آورده معنای منظور نظر را مشخص می کند و می فهماند که هدف از محاربه با رسول خدا افساد در زمین از راه اخلال به امنیت عمومی و راهزنی است ، نه مطلق محاربه با مسلمانان.

علاوه بر اینکه این معنا ضروری و مسلم است که رسول خدا (ص) با اقدامی از کفار که با مسلمانان محاربه کردند، بعد از ظفر بر آنان، معامله محارب را با آنان نکرد، یعنی آنها را محکوم به قتل یا دار زدن یا مثله و یا نفی بلد نفرمود و این خود دلیل بر آن است که مقصود از جمله مورد بحث مطلق محاربه با مسلمین نیست. علاوه بر این، استثنائی که در آیه بعدی آمده خود قرینه است بر اینکه مراد از محاربه همان افساد نامبرده است، برای اینکه ظاهر آن استثناء این است که مراد از توبه، توبه از محاربه است نه توبه از شرک و امثال آن.

بنا بر این مراد از محاربه و افساد به طوری که از ظاهر آیه بر می آید، اخلال به امنیت عمومی است و قهراً شامل آن چاقو کشی نمی شود که بر روی فرد معینی کشیده و او را به تنهایی تهدید کند، چون امنیت عمومی وقتی خلل می پذیرد که خوف عمومی و نا امنی جای امنیت را بگیرد و بر حسب طبع، وقتی محارب می تواند چنین خوفی در جامعه پدید آورد که مردم را با اسلحه تهدید به قتل کند و به همین جهت است که در سنت یعنی روایاتی که در تفسیر این آیه وارد شده نیز، محاربه و افساد فی الارض به چنین عملی یعنی به شمشیر کشیدن و مثل آن تفسیر شده است « (طباطبائی، ج ۵، ۱۳۶۵ صص ۵۳۴-۵۳۲)

اگرچه مرحوم علامه در تفسیر فوق محاربه و افساد فی الارض را مترادف گرفته ولی در این دو عنوان بین فقها و حقوق دانان اختلاف نظر زیادی وجود دارد که در مباحث آتی به آن خواهیم پرداخت.

در تعریف محاربه در فقه اسلامی وحدت نظر وجود ندارد و در میان فقهای امامیه و اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. حتی فقهای امامیه هم از نظر واحدی تبعیت نکرده اند که دلیل این امر، برداشت های متفاوت از آیه مربوطه است.

در ادامه بحث به اختلاف نظر فقها در تعریف باب محاربه می پردازیم:

شیخ مفید می فرماید: هنگامی که اهل دغا در سرزمین اسلام سلاح کشیده و اموال مردم را تصاحب کنند، امام در مورد آنان مخیر است که آنها را با شمشیر به قتل برساند، یا به دارشان بکشد تا بمیرند و یا دست و پای آنها را در خلاف جهت یکدیگر قطع کند، یا آنها را از آن مکان به مکان دیگری تبعید کنند تا زمانی که آثار توبه و اصلاح در آنها نمایان شود. اما اگر شمشیر کشیده و کسی را کشته باشند، کشتن آنان در هر حال واجب است. (شیخ مفید، ۱۴۱۰ ه.ق، ۸۰۵)

شیخ طوسی اقوال مختلفی در این زمینه نقل کرده است. ایشان در کتاب «نهایه» تعریف مشهور فقهای امامیه را پذیرفته و می گوید: «محارب کسی است که سلاح ظاهر کند و از اهل ریه باشد، در شهر یا غیرا آن، در بلاد اسلام باشد یا بلاد کفر، در شب باشد یا روز؛ پس هرگاه چنین کرد محارب است. (طوسی، ج ۲، ۱۳۴۲، ۷۴۱)

همچنین ایشان در کتاب «خلاف» به غالب فقهای اهل سنت - که محارب را قطاع الطریق می دانند - نزدیکتر شده و می فرماید: «خداوند در آیه محاربه ذکر کرده همان قطاع الطریق اند که سلاح کشیده و راهها را نا امن می کنند و به ارباب رهگذران می پردازند. (طوسی، ۱۴۱۶ ه.ق، ۲۰۹)

همچنین شیخ در کتاب مبسوط می فرماید: والذی رواها صحابنا ان المراد بها كل من شهّر السلاح و اخاف الناس فی برّ کانوا او بحر ... وروا ان اللصّ ایضاً محارب و فی بعض روایاتنا ان المراد بها قطع الطریق کمال قال الفقها. یعنی: «مطابق روایات ما مراد از آیه هر کسی است که سلاح کشیده و مردم را می ترساند؛ چه در دریا باشد و چه در خشکی؛ چه در شهر باشد و چه در بیابان، و روایت شده که دزد هم محارب است. در بعضی از روایات ما هم وارد شده که مراد از آیه، قطاع الطریق هستند؛ چنانچه فقهای عامه نیز اینگونه گفته اند. (طوسی، ج ۸، ۱۳۹۲، ۴۷)

این عبارت شیخ طوسی حاکی از آن است که در بعضی از روایات منظور از محاربه همان قطاع الطریق است و تشهیر سلاح و اخافه مردم را به اصحاب امامیه نسبت داده چنانچه لُص را هم مصداق آن دانسته است.

غالب فقهای امامیه تعریف مشترکی از محاربه ارائه داده اند. ابن براج می فرماید: محارب کسی است که از اهل ربه باشد و سلاح بکشد، در خشکی باشد یا دریا، در شهر یا غیر آن، در سرزمین اسلام یا در سرزمین شرک، شب باشد یا روز. (ابن براج، ج ۲، ۱۴۰۶ ه. ق، ۵۵۳)

ابن حمزه نیز در باب محارب گفته است: محارب کسی است که سلاح آشکار کند، زن باشد یا مرد، در هر زمان و مکان که باشد تفاوت نمی کند. ایشان نیز محارب را به کسی نسبت داده که سلاح کشیده و آن را مقید به انگیزه ترساندن مردم، یا ناامن کردن راهها نکرده است. (ابن حمزه، ۱۴۰۸ ه. ق، ۲۰۶)

مرحوم محق حلی می فرماید: «محارب کسی است که سلاح خود را برای ترساندن مردم بیرون آورد چه در خشکی باشد چه در دریا، شب باشد یا روز، شهر باشد یا روستا.» (محقق حلی، ۱۴۰۹ ه. ق، ۹۵۹)

علامه حلی در قواعد الاحکام می فرماید: محارب به کسی می گویند که برای ترساندن مردم سلاح بکشد، در خشکی باشد یا دریا، شب یا روز، شهر یا غیر آن و شرط نیست که مرد باشد. (علامه حلی، ۱۴۱۳ ه. ق، ۵۶۸)

شهید اول در کتاب لمعه محاربه را چنین تعریف می کند «و هی تجرید الصلاح برأ و بحرأ، لیلا او نهارأ، لا خافه الناس فی مصره و غیر من ذکر او اونثی، قوی او ضعیف...» (شهید ثانی، ج ۹، ۱۴۰۳ ه. ق، ۲۹۰) و شهید ثانی در شرح آن می گوید: «من اهل الریبه ام لا قصد الاخافه ام لا علی اصحّ الاقوال» (همان)؛ یعنی محاربه عبارتست از برهنه کردن سلاح و به تعبیر شهید ثانی، خواه از اهل ربه باشد یا نباشد و خواه قصد اخافه داشته باشد یا نداشته باشد.

شیخ محمد حسین نجفی در جواهر الکلام محارب را چنین تعریف کرده است: «المحارب کلّ من جرّد السلاح او حملَ لا خافه النَّاسُ» که علاوه بر بیرون آوردن سلاح حمل آن را نیز از مصادیق محاربه دانسته است. (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ۵۶۴) آیت الله خوئی در تکمله المنهاج در تعریف محاربه چنین می گوید: (خویی، ج ۱، ۱۳۹۶ ه. ق، ۵۶۴)

«من شهر السلاح لا خافه النَّاس ...»؛ یعنی محارب کسی است که برای ترساندن مردم سلاح برهنه نماید.

از نظر بعضی از فقها علاوه بر قصد اخافه، قصد افساد و تحقق خوف و ترس در مجنی علیه هم لازم است. از جمله این فقها:

امام خمینی (ره) می فرماید: محارب کسی است که سلاح خود را برای ترساندن مردم بیرون آورده یا خود را مجهز به آن نماید و قصد فساد در زمین را داشته باشد... «(تحریر الوسیله، بی تا، ج ۲، ۴۹۲)

آیت الله مکارم شیرازی هم می فرماید «محارب به کسی می گویند که با اسلحه مردم را تهدید کند و قصد جان یا مال یا ناموس مردم را داشته باشد و در محیط اجتماعی ناامنی ایجاد کند.» (پایگاه اینترنتی معظم له)

«از ظاهر عبارت ابو صلاح حلبی نیز که در تعریف محاربه می گوید: محاربین کسانی هستند که به قصد راهزنی و ناامن کردن راه ها و کوشش برای فساد در زمین از دارالامین بیرون آمده باشند، فهمیده می شود که ایشان نیز علاوه بر قصد اخافه، قصد افساد را نیز شرط میدانند، هر چند تعریفی که ابوصلاح حلبی از محاربه می کند، همان تعریفی است که در بیان فقهای اهل سنت به قطاع الطریق معروف است. (ابوصلاح حلبی، ۱۴۰۰ ه. ق، ۲۵۱)

با مرور نظرات فقها و مفسران امامیه معلوم میگردد که «سلاح کشیدن به قصد ارباب مردم و اخلال در امنیت» را می توان وجه اشتراک عمده ی تعاریف دانست، اگرچه در کنار آن تفاوت نظرانی نیز ملاحظه می شود که ناشی از نوع نگاه و تغییر قیود موجود در ایه ی شریفه می باشد.

اما قول شهیدثانی که عدم شرط بودن قصد اخافه را با استناد به عموم آیه و عموم لفظ (من) صحیح ترین نظر می داند به صراحت با نظر غالب فقهای امامیه مغایرت دارد. به نظر یکی از حقوقدانان «تنها راه توجیه ایشان آن است که اخافه را در مورد کسانی که اهل شبه و اتهام «اهل ربه» هستند شرط ندانیم، زیرا هیبت و خصوصیت فردی آنها خود منشا خوف ترس مردم است و درواقع، وضعیت ظاهری آنها موجب خوف می شود و تحقق این خوف به منزله ی قصد تبعی این افراد